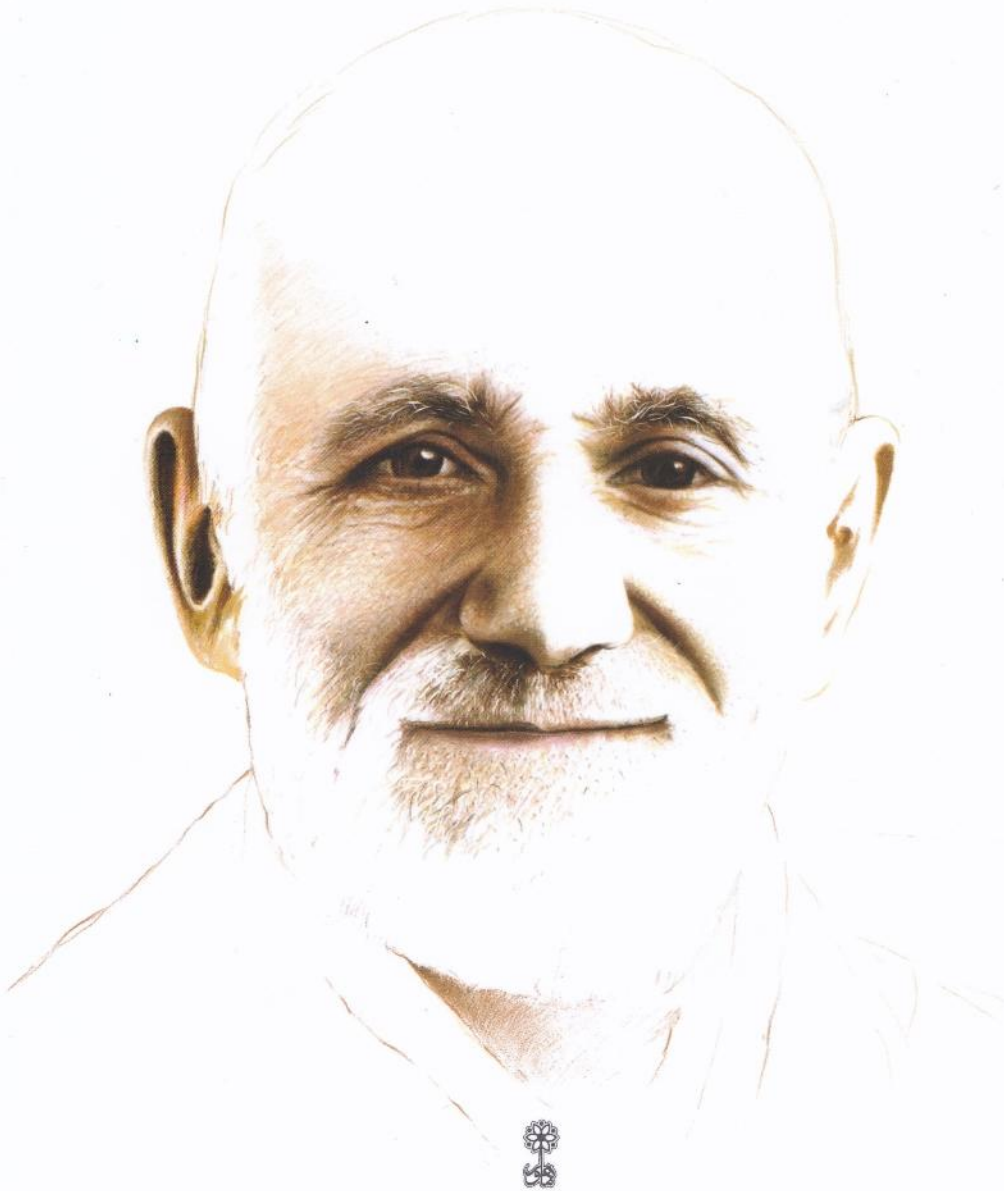


شرح مختصر احوال و آثار آوازی

## حسینعلی نکینسا

نوشتہی

وہرز پورا احمد



روزگار آینه‌ای است که در آن همه چیز  
لایه‌ها را می‌بیند



مؤسسه‌ی فرهنگی - هنری ماهور

تهران، خیابان حقوقی، شماره‌ی ۴۲، طبقه‌ی همکف

کدپستی ۱۶۱۱۹۷۵۵۱۶

تلفن: ۷۷۵۰۲۴۰۰

[www.mahoor.com](http://www.mahoor.com)

[info@mahoor.com](mailto:info@mahoor.com)

شرح مختصر احوال و آثار آوازی  
حسینعلی نکیسا

نوشته‌ی

وهرز پوراحمد

تصویر روی جلد: مهدی فراهانی  
صفحه‌آرایی: پویا دارابی  
پالایش منبع صوتی: احسان عابدی  
چاپ اول: ۱۴۰۲  
تعداد: ۵۰۰ جلد  
لیتوگرافی: باران  
چاپ و صحافی: محمد

© حق چاپ محفوظ است.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۲۸۶۲-۳-۴ ISBN: 978-622-92862-3-4

## فهرست مطالب

مقدمه .....	۷
فصل اول: مختصری از جغرافیای تفرش .....	۹
فصل دوم: محمدباقر، میرزابابا و ملارجبعلی .....	۱۵
میرزا محمدباقر تعزیه سازبازی ملقب به معین البکا .....	۱۵
میرزابابانایب شاکرتفرشی .....	۲۷
حاج ملارجبعلی طرخورانی معروف به حاجی مؤذن .....	۳۲
فصل سوم: حسینعلی نکیسا .....	۴۳
فصل چهارم: آثار ضبط شده از آواز حسینعلی نکیسا بر روی صفحات ۷۸ دور .....	۶۷
صفحه شناسی .....	۶۷
شرح مختصری از محتوای آوازی صفحات .....	۷۰
ماهور / سه گاه / دشتی / بیات اصفهان / همایون / افشاری / چهارگاه / شور / مخالف / دلکش ..... ۷۰-۷۷	
خلاصه ای از ویژگی های آوازی حسینعلی نکیسا .....	۷۷
فصل پنجم: دیگر آثار ضبط شده از آواز حسینعلی نکیسا .....	۷۹
آوازهای بدون همراهی ساز .....	۷۹
عراق و رهاوی / بیات ترک / حجاز / افشاری .....	۷۹-۸۱
آوازهای همراه با ساز .....	۸۱
شور ۱ / شور ۲ / دشتی ۱ / دشتی ۲ / بیات کرد / بیات ترک / افشاری / سه گاه .....	۸۱-۸۴
خلاصه ای از ویژگی های آوازی حسینعلی نکیسا .....	۸۴
مراجع .....	۸۵

## فصل اول

### مختصری از جغرافیای تفرش

برای آشنایی بیشتر با جغرافیا و حال و هوای تفرش در حول و حوش سال ۱۳۰۰ هجری قمری به نقل قسمتی از مقدمه‌ی دیوان میرزایحیی سرخوش تفرشی می‌پردازیم که به قلم میرزازین‌العابدین منشی و در سال ۱۳۱۶ هجری قمری نگاشته شده است:

تفرش جلگه‌ایست که از هر طرف کوه آن را احاطه کرده و فی‌الحقیقه قلعه‌ایست خداآفرین از سنگ خارا که جبال شامخه در جوانب آن حکم سور و بارو دارد و بدون عبور از گردنه‌ها و پیمودن کتل‌ها وصول به آن محال می‌باشد.

این جلگه که طول آن کمتر از سه فرسخ و عرضش بیش از یک فرسخ است در بیست و پنج فرسخی دارالخلافه‌ی طهران واقع و در جنوب غربی آن است و مسافت تفرش تا شهر قم دو منزل کاروانیست که تقریباً چهارده فرسخ باشد و همچنین مسافت از تفرش تا شهر سلطان‌آباد عراق ده فرسخ است و جز گردنه‌ی نقره‌کمر که عبور از آن خالی از صعوبت نیست بقیه‌ی راه آن هموار و مسطح است و از تفرش تا آشتیان و گرکان هم بیش از دو فرسخ نمی‌باشد.

تفرش از بیلاقات ممتاز عراق محسوب، لطف و اعتدال هوای آن به کمال و میاه قنوات و چشمه‌سارهای آن مصداق ماء‌نهرها سلسال، در تابستان آب‌های سرد گوارای آن را برای تبرید حاجتی به برف و یخ نیست. اگرچه در این اواخر یخچالی در آنجا بنا کرده‌اند اما به واسطه‌ی عدم ضرورت، چندان طرف اعتنا نشده، فواکه و اثمار آن جز انار که به علت سردی هوا نشوونمایی ندارد همه خوب و مرغوبند. مغز بادام و گردو و کشمش سبز و سنجد و قیسی آنکه جزو خشک‌بار محسوب است به ممالک خارجه حمل می‌نمایند و می‌توان گفت به اقصی‌بلاد می‌برند. تنباکو و سبزیجات و بقولات و محصول فالیزش نیکوست اما غله یعنی گندم و جو کفایت سکنه و اهالی را نمی‌کند و باید از اطراف و حوالی، تدارک آذوقه برای خود نمایند.

شکار صحرایی آنجا تیهو و کبوتر و بلدرچین و قمری و سار و خرگوش و مرغ‌آبی و غیرها و کوهی کبک و بز و میش و قوچ فراوانست. معدن نمک و گچ آن

نزدیک و از قرار مذکور معدن سرب و آهن و نقره در کوه‌های آن یافت می‌شود تا معدن‌شناسان چه گویند. آب و هوا، روح و صفا و سایر شرایط زندگانی و حسن منظر از این خوبتر متصور نیست و الحق جای تفرج و تعیش و کامرانیست و هرکس در فصل بهار از فراز کوه، جلگه‌ی تفرش را دیده، داند که بهشتی مجسم است و ثانی‌اثنین باغ ارم و در گلستان‌ها نوای بلبل و قمری و سار و در بوستان‌ها غوغای صلصل و تدری و هزار بر زیر شاخسار و پیرامون گلزار، هوش‌زدای اهل ذوق است و بادبیزن آتش شوق. اغلب اراضی تفرش مشجر است و باغات، با ثمر. قبل از آنکه شهر سلطان‌آباد عراق آباد شود این ناحیه در تحت حکومت قم بود و از کوهستان آن ولایت محسوب می‌شد و شاهد این مدعا، بیت حکیم امجد عارف، نظامی علیه‌الرحمه می‌باشد که می‌فرماید:

چو دُر گرچه در بحر گنجه گمم ولی از قهستان شهر قمم

مردم تفرش صاحب ذوق و ذکا و دانش و دها می‌باشند. همه به تحصیل کمال و هنر راغب و رفعت و مزیت را طالب حتی اولاد ده‌اقلین که پس از فراغ از شیار و شخم و افشاندن بذر و تخم به نوشتن و خواندن مشغول شوند و به راه بطالت و کسالت نروند. معروفست مادرها از همان عهد مهد چون با فرزندان سخن سرایند آنها را مستوفی و وزیر و پیشکار خطاب نمایند. فرضاً که این حرف راست نباشد در اقبال و اقدام آن مردم به ترقی و کسب فضایل حرفی نیست و بی‌شک در کار ترفع و تمنع، هوش و غیرتی دارند و جانب شرافت را فرو نمی‌گذارند و در بلاد و امصار ایران کمتر جایی است که وزیر یا مستوفی و منشی و عامل قابل از اهل تفرش مشغول کار نباشد و از خصایص مردم این ناحیه پاس عصمت و ناموس است که در آن بی‌اختیار می‌باشند.

تفرش مولد بسی از علما و فضلا و حکما و شعرا و اهل حال و کمال می‌باشد و همین دلیل بر استعداد آب و هوا و موجود بودن شرایط صحیح زندگانی در این سرزمین و برتری این خطه‌ی خلدآیین است. بیشتر مردم تفرش معتدل‌القامه و خوش‌سیما می‌باشند و گاهی هم خوش‌صوتی میان آنها یافت شود که از خوش‌آوازهای محلات عراق کم نباشد.

اما وجه‌تسمیه‌ی تفرش به این اسم، مولانا میرمحمد صادق تفرشی طابت‌ترتبه از اجله‌ی حکما و فضلا‌ی این ناحیت که در شعر و تاریخ و سایر فنون ادب مقامی معلوم داشته و آثار نیکو به یادگار گذاشته در تاریخ منظومه‌ی خود اشاره فرموده گوید تفرش را آرش (که در زمان منوچهر یکی از پهلوانان نامی به‌شمار می‌آمد و قصه‌ی تیرافکندن او در مصالحه‌ی منوچهر و افراسیاب افسانه‌ی معروفیست) بنیاد نهاده و به اسم خود موسوم داشته و به مرور ایام، آرش، تفرش شده و بعضی علایم و آثار قدیمه که در آنجا یافت می‌شود مؤید قول آن جناب است و الله اعلم.

خلاصه محلی که امروز موسوم و معروف به تفرش می‌باشد عبارت از دو قصبه‌ی آباد و قراء متعلقه‌ی به آن است. نام یکی قم و دیگری طرخوران و هر یک

## فصل اول: مختصری از جغرافیای تفرش ۱۱

از این دو قصبه مشتمل بر چندین محله و رباطات و دکاکین و حمام و آب‌انبار و سایر لوازم زندگانی و هر محله اسمی مخصوص دارد. رودخانه‌ای که فم و طرخوران را از یکدیگر جدا و مفروز می‌سازد در بهار آب آن بیشتر از شش سنگ و در تابستان کمتر از دو سنگ نیست و به زاینده‌رود شبیه است که هر قدر امتداد آن زیاد شود از اطراف آن آب چشمه‌سارها تراوش و جریان باید و اراضی زیر دست را سیراب نماید. تمام اطراف این رود از کثرت اشجار و باغات به جنگل مانند. این رودخانه اسم مخصوصی ندارد و در هر نقطه به تقریبی نامی بدان نهاده‌اند. اهالی فم خاصه یک محله‌ی آن تمام زن و مرد، غنی و فقیر خیلی درست و فصیح حرف می‌زنند. به اصطلاح خود اهالی، زبان ایشان لفظ قلم است و کمتر کلمه‌ی غلط استعمال می‌کنند ولی سایر محلات دارای این امتیاز نیستند. در طرخوران خانواده‌های نجیب در تکلم بد نیستند اما طبقات پست آن خوش لهجه و خوش محاوره نمی‌باشند. در هر دو محل، عمارات و ابنیه و مسجدهای عالی کهنه و نو از خشت پخته و خام برپا و دایر می‌باشد و منظرهای بسیار قشنگ باصفا دارد و خاک طبیعتاً در بعضی محلات طوری سخت و صلب است که با برف و باران مقاومت می‌نماید و سالیان، دیوارچینه و خشت خام پایداری و استواری می‌کند.



از عجایب صنع الهی در کوه جنوبی تفرش مغاره‌ایست معروف به غار علی‌خورنده و این کوه و مغاره بالای قریه‌ی کویین<sup>۲</sup> واقع، راقم شخصاً این محل را ندیده‌ام ولی آنچه شنیده‌ام در اینجا نقل قول می‌نمایم. می‌گویند باید از دهنه‌ی بسیار تنگ کوتاهی که به منزله‌ی در مغاره است داخل غار شد و از آنجا که غار چندین ذرع عمق دارد بی‌وسیله‌ی طناب و نردبان دخول در آن غیرممکن می‌باشد و چون تاریک است باید با شمع و چراغ در آن مقام رفت. همین که چند قدم داخل غار مزبور شدند، کرباس ماندی است و دو حوض سنگی به فاصله‌ی نزدیکی محاذی یکدیگر دیده می‌شوند مثل اینکه حوض‌ها را حجاری نموده‌اند. آب یک حوض در کمال صافی، پاک و لطیف و آب دیگری آلوده و بی‌نهایت چرک و مخلوط به فضله‌ی کبوتر است. چون وارد این غار را واهمه عارض می‌شود هنوز بیشتر نرفته و از طول غار به تحقیق مطلع نشده و نمی‌دانند علت صفای آن یک و جهت تیرگی این چیست. کبوترهای چاهی بسیار در آن محل آشیان دارند و صیادان بعضی از اوقات رفته، عده‌ی وافری از آنها کشته و زنده می‌آورند. به عقیده‌ی حقیر این مغاره در عهد قدیم معبد یکی از موبدان عجم بوده و آن دو حوض را هم باید مخصوصاً حجاری کرده باشند و الله اعلم.

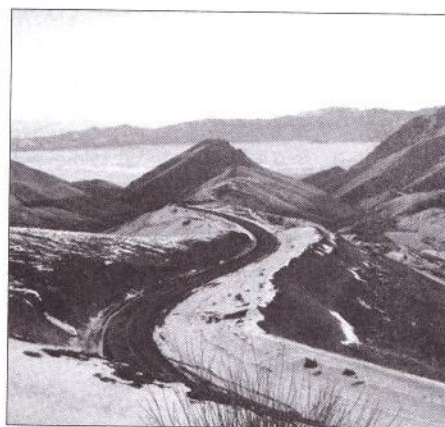
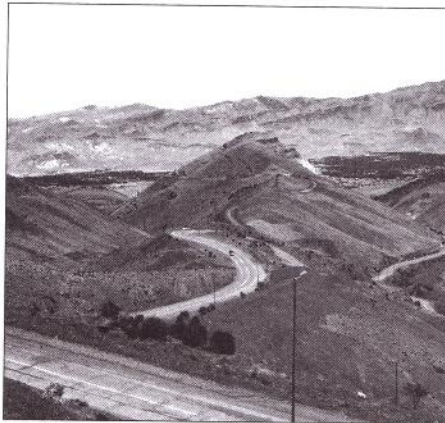
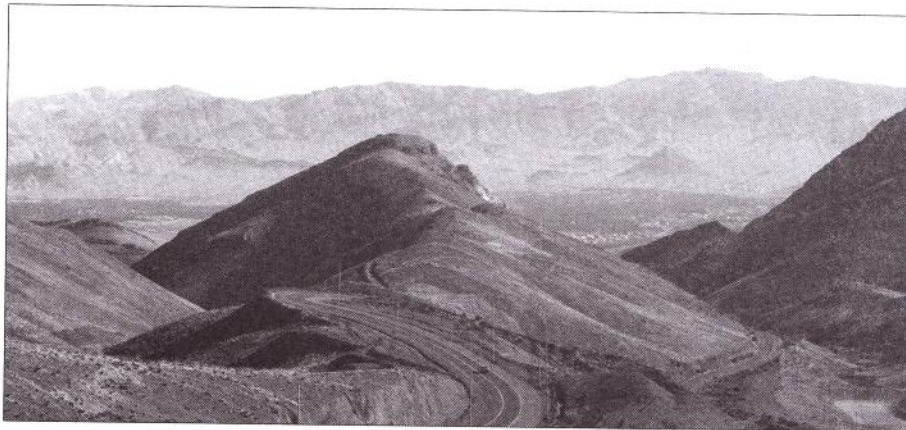
۱. رودخانه‌ی آب‌کمر

۲. کوهین

صنیع الدوله (اعتمادالسلطنه) نیز در جلد اول *مرآت البلدان* (۱۲۹۴ قمری) شرح مختصری در باب تفرش نوشته است.

همچنین در این خصوص می‌توان به قسمتی از خاطرات حاج سیاح که به شرح حرکت از آشتیان به تفرش در تاریخ محرم ۱۲۹۶ اختصاص دارد؛ اشاره کرد که با ذکر آن، این مختصر را به پایان می‌بریم:

آشتیان قصبه‌ی کوچک خوبی است. اهلش میل به فضایل دارند. شب را در آنجا به سر برده؛ صبح به قصد تفرش به راه افتادیم. از آنجا به تفرش دو راه است. یکی نزدیک‌تر لکن فراز و نشیب دارد؛ دیگری دورتر و هموارتر است. راه نزدیک‌تر را اختیار کردم. آب قناتی تا مسافت دور با ما همراه بود. رو به گردنه‌ای بلند که گردنه و کمرنقره می‌گویند بالا رفته؛ مخصوصاً به قلعه‌ی کوه برآمدیم. بسیار تماشایی بود.



گردنه‌ی نقره‌کمر و دورنمای تفرش در تابستان و زمستان

حسینعلی نکیسا از استادان برجسته‌ی آواز و هم‌نسل با خوانندگانی چون جناب دماوندی، ابوالحسن اقبال‌آذر، سیدحسین طاهرزاده، سلیمان امیرقاسمی، حسن لحنی و سیدعلی‌اصغر کردستانی است که در آواز صاحب‌لحن و شیوه‌ای خاص و منحصر به فرد بوده است.

متن حاضر که با اشاره‌ای کوتاه پیرامون جغرافیای تفرش در حدود سال‌های ۱۳۰۰ قمری یعنی زمان و محل تولد حسینعلی نکیسا آغاز شده، با مطالبی در ارتباط با هنر شبیه‌خوانی یعنی خاستگاه و پایه و مایه‌ی آوازی و آموزش موسیقی بسیاری از استادان آواز دوران قاجار، ادامه یافته است. وقایع دوران زندگانی نکیسا مانند تولد، دوران کودکی و تعلم آواز و ورود به شبیه‌خوانی، کنسرت‌های برگزار شده و ضبط صفحات، آشنایی و مراوده با ادیبان و شعرا، ارتباط و همکاری با رادیو، تعلیم شاگردان، شرکت در جشن‌های انجمن اخوت و نهایتاً دوران بازنشستگی و بازگشت به تفرش از دیگر مباحث کتاب است که با بررسی و شرح مختصر مختصات آوازی آثار به جا مانده از نکیسا خاتمه یافته است و پیش از این همه و پس و کم از صد سال از ضبط صفحات آوازی او، دعوتی است به شنیدن این آثار که ما را به سکوت و تأمل فرا می‌خوانند.

محتوای لوح فشرده‌ی ضمیمه‌ی کتاب، فایل صوتی تمامی آثاری است که از آواز حسینعلی نکیسا بر روی صفحات ۷۸ دور ضبط شده است.

